استقلال کانون وکلای دادگستری

جلالی نائینی، محمد رضا

حیدری، حجت

در سال 1332 شمسی در زمان نخست‏وزیری دکتر محمد مصدق،نخست‏وزیر ملی ایران،دکتر سید علی شایگان و ارسلان‏ خلعتبری و سید محمد رضا جلالی نائینی که هر سه مورد وثوق دکتر مصدق بودند،خدمت رسیدند و عرضه داشتند که جناب عالی در سال‏هایی‏ که در کشور سوییس به تحصیل حقوق اشتغال داشتید،ملاحظه فرموده‏اید در هر شهری که دادگاه استیناف تشکیل شده،در کنارش کانون وکلای‏ دادگستری نیز مشاهده می‏شود.در واقع این دو نهاد قضایی لازم و ملزوم‏ یک‏دیگرند.

پیش از این تاریخ با تشکیل دادگستری جدید،در زمان زنده‏یادان‏ حسن مشیر الدوله و علی اکبر داور با ییش‏قدمان وکلای دادگستری‏ به منظور تحصیل استقلال کانون وکلا،مجاهده کرده‏اند و کانونی زیر نظر وزیر دادگستری به وجود آمد؛ولی استقلال به معنی کامل کلمه نداشت.

وزیر دادگستری می‏توانست وکیل را ممنوع الوکاله کند.البته وزرایی‏ هم‏چون حسن مشیر الدوله و علی اکبر داور تا دلیلی در دست نداشتند، وکیلی را ممنوع از وکالت نمی‏کردند.

اولین‏بار در زمان وزارت محسن صدر(-صدر الاشراف)،انتخابات‏ کانون وکلا صورت پذیرفت،بدین نحو که به تعداد دو برابر اعضای هیات‏ مدیره انتخاب گردیدند و وزیر دادگستری از میان آنان اعضای هیات مدیره‏ را برگزید.

به گفته‏ی جلالی نائینی،کانون وکلای دادگستری در کشورهای‏ دموکراسی در حکم روزنه اطمینان(- Soupapa )اجتماع است و همان‏طور که دیگ بخار نیازمند دریچه‏ی اطمینان است،اجتماع نیز نیاز به دریچه‏ی اطمینان دارد تا آتشی که در سینه‏ی مخالفان محبوس است، خارج شود و از بروز حوادث خونین و مرگبار جلوگیری شد.

در هفتصد سال قبل،خواجه شمس الدین محمد حافظ فرموده است:

ساقی به جام عدل بده باده تا گدا همت نیاورد که جهان پُر بلا کند!

دکتر مصدق پس از توضیحات دکتر شایگان و ارسلان خلعتبری و جلالی نائینی،قول داد که از وزیر دادگستری خواهد خواست که درباره‏ی‏ استقلال کانون وکلای دادگستری،با کانون وکلای مرکز مذاکره کند و لایحه‏ی استقلال کانون‏ها را تهیه نماید.

در راستای این مذاکرات،یک روز وزیر دادگستری به هیات مدیره‏ی‏ کانون وکلا آمد.ایراد عهد شیخ عبد العلی لطفی این بود که شما نمی‏توانید خودتان کانون را اداره کنید.

در پاسخ این اظهار وزیر دادگستری،سید صادق سرمد یکی از اعضای‏ هیات مدیره گفت:شما شش ماه استقلال موقت به ما بدهید،هرگاه ما توانستیم بهتر از شما کانون را اداره کنیم،آن‏گاه استقلال موقت را تبدیل‏ به استقلال دایم کنید و اگر نتوانستیم برمی‏گردیم به امروز که کانون‏ استقلال ندارد.با این بیان صادق سرمد،وزیر دادگستری دیگر ایراد و حرفی نداشت و تسلیم نظر هیات مدیره شد و لایحه‏ی استقلال کانون‏ وکلا را در ظرف چند روز تهیه کرد و به امضای دکتر مصدق رسانید،اما چند ماه از استقلال کانون نگذشته بود که کودتای 28 مرداد 2332 رخ داد و دولت برخی لوایحی را که دکتر مصدق برطبق اختیارات در اصلاح‏ دادگستری و امور اداری و اقتصادی تهیه کرده بود،به مجلس احاله داد و از آن میانه لایحه‏ی استقلال کانون بود که مجلس آن را با افزودن یک‏ تبصره عینا تصویب کرد و بدین نحو استقلال کانون صورت گرفت.

جلالی نائینی در جشن سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری در اسفند 1384 در سخنانش سید محمد جندقی کرمانی‏پور را ستود.جندقی‏ کرمانی‏پور در انتخابات کانون نام‏نویسی نکرد تا برای وکلایی که خواهان‏ عضویت هیات مدیره هستند،امکان مسابقه فراهم گردد.در انتخابات‏ کانون که در اسفندماه با آرامی و آزادی و نظم اعضای هیات مدیره انتخاب‏ شدند و جناب کشاورز به ریاست کانون در سال 1385 برگزیده شد و با خوشوقتی بدو تبریک گفت و به عنوان پیش‏کسوت از رییس کانون جدید پشتیبانی کرد و توفیق ایشان را از خدای تعالی مسألت نمود تا بتواند رییس‏ کانون بر طبقات محروم اجتماع در دادسراها و دادگاه‏ها با دفاع وکیلان از موکل خود،در امر عدالت توفیق یابد.

البته حق گرفتنی‏ست،نه دادنی و کانون وکلا که نمادی از آزادی و اجرای صحیح قوانین اساسی و عادی‏ست باید از طریق امن و نظم و قانون،نه از غوغاگیری و خون‏ریزی،حقوق از دست رفته را در مسیر مصالح همگان از آزادی‏های از دست رفته را احیا کند.